

# پژوهش انتقادی درباره ضبط کتاب‌های سهروردی

محمدعلی ابوریان  
ترجمه علی محمدی

## اشاره

شمار آثار ثبت‌شده شیخ شهاب‌الدین سهروردی به دلایلی در فهرس و آثار مختلف متفاوت است، برخی آثار بیشتری به او منسوب می‌کنند و برخی آثار وی را کمتر از آنچه ضبط شده می‌دانند. متن حاضر که فصل سوم از باب نخست کتاب اصول الفسفة الاشرافیة تألیف دکتر محمدعلی ابوریان، پژوهشی درباره ضبط آثار شیخ اشراق می‌باشد. وی با مراجعه به فهرس و آثار دیگری که به زندگی و آثار سهروردی پرداخته‌اند، کوشیده نگاه واقع‌بینانه‌ای در این زمینه به دست دهد.

کتاب ماه فلسفه

بی‌تردید سرنوشت حزن‌انگیز شیخ شهاب‌الدین سهروردی - در آغاز امر و پس از کشته‌شدنش - سایه تاریکی بر تألیفات فلسفی وی افکند؛ زیرا شرایطی که به حادثه کشته‌شدن او منجر شد و شایعاتی که درباره انحراف شیخ شهید از دین مطرح شد، و نیز نفرتی که مردم آن زمان - به‌ویژه بعد از سقوط دولت فاطمیان در مصر و فروپاشی پادشاهی شیعه در سرزمین‌های شرق اسلام - نسبت به بینش عقلی داشتند و با آرای باطنی مقابله می‌کردند، در این زمینه تأثیرگذار بود.<sup>۱</sup> در عین حال تاریخ‌نگاران آن دوره در اشاره به این حادثه - گرچه به اختصار - و برخی از آثار شیخ کوتاهی نکردند و به‌نظر می‌رسد که آنان نسبت به اخباری که درباره شیخ به‌صورت متواتر نقل می‌شد، بدون اینکه تلاشی برای تحقیق درباره صدق و کذب آن صورت بگیرد، تردید داشتند. در بسیاری از موارد یکی از آنان خبری را نقل می‌کند که شاید تحریف‌شده باشد. اما شاگردان شیخ به تتبع و تفحص درباره اخبار نقل‌شده درباره او اهتمام ورزیدند، به‌ویژه شهرزوری، صاحب تواریح الحکماء که در فصلی طولانی درباره سهروردی سخن می‌گوید و حدود ۴۹ کتاب استادش را ذکر می‌کند.<sup>۲</sup>

در اینجا ما آنچه را که شهرزوری آورده با آنچه را که صاحب طبقات الأعیان، کشف الظنون (چاپ فولگل)، شذرات الذهب، البستان الجامع و العقد المذهب و ابن خلکان و دیگران ذکر کرده‌اند، بررسی خواهیم کرد.

روایات و دیدگاه‌های این تاریخ‌نگاران را با مددجستن از فهرس جدیدی که ویلهلم آلوارت<sup>۳</sup> (۱۸۲۸ - ۱۹۰۹ م.)، کارل بروکلیمان<sup>۴</sup> (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶ م.) و هلموت ریتر<sup>۵</sup> (۱۸۹۲ - ۱۹۷۱ م.) در مجله اسلام<sup>۶</sup> و فهرس کلود کاتن<sup>۷</sup> (۱۹۰۹ - ۱۹۹۱ م.) در البستان الجامع عمادالدین (گزارش مؤسسه علمی فرانسه در دمشق)، فهرس لویی ماسینیون<sup>۸</sup> (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲ م.) در مجموعه متون منتشر نشده و فهرس هانری کرین<sup>۹</sup> (۱۹۰۳ - ۱۹۷۸ م.) و ختک اسپایز<sup>۱۱</sup> در ثلاث رسائل عن التصوف تهیه کرده بودند، مورد بررسی تطبیقی قرار دادیم.

بعد از این بررسی، گفته‌های شهرزوری را مورد تحقیق و بررسی قرار دادیم، به‌دلیل اینکه وی در میان شاگردان سهروردی با او و آثارش بیشترین ارتباط را داشت. همچنین شرح‌هایی را که تاریخ‌نگاران زندگی سهروردی ذکر کرده بودند، بدان افزودیم.<sup>۱۲</sup>



### ۱. حکمة الاشراق

- ۱-۱. شرح قطب‌الدین بن محمد بن مسعود شیرازی؛
- ۱-۲. شرح محمد بن محمود شهرزوری با عنوان حل الرموز و كشف الكنوز؛
- ۱-۳. شرح محمد شریف بن نظام‌الدین هروی؛
- ۱-۴. شرح جرجانی - فولگل (حاجی خلیفه)؛
- ۱-۵. تعلیقات نجم‌الدین حاج محمود تبریزی بر بخشی از حکمة الاشراق بنا به درخواست نصیرالدین سدید وزیر ابن سلطان احمد بهادر خان (ریتر)؛
- ۱-۶. شرح حاج ملاحادی سبزواری؛
- ۱-۷. تعلیقه صدرالدین شیرازی، که در حاشیة شرح قطب‌الدین شیرازی - در چاپ فارس - به چاپ رسیده است؛
- ۱-۸. انتشار حکمة الاشراق از سوی کربن در سال ۱۹۵۲ در پاریس.

### ۲. هیاکل النور (از این کتاب یک نسخه به زبان فارسی و نسخه دیگری به زبان عربی تألیف شده است)<sup>۱۳</sup>

- ۲-۱. شرح غیاث‌الدین بن اسعد دوانی با عنوان شواکل الحور؛
- ۲-۲. شرح منصور بن محمد حسینی با عنوان اشراق هیاکل النور لكشف ظلمات شواکل الغرور. این شرح همچنین حاوی تعلیقات و استدراکاتی بر شرح دوانی بر هیاکل النور است؛
- ۲-۳. شرح محمد بن محمود علوی؛
- ۲-۴. شرح اسماعیل انقراوی به زبان ترکی به نام ایضاح الحکم؛
- ۲-۵. گزیده‌هایی از هیاکل النور و شرح آنها به همراه گزیده‌های از حکمة الاشراق اثر حسن کردی.



### ۳. التلویحات

- ۳-۱. شرح محمد بن محمود شهرزوری با عنوان التلویحات (ریتر). بروکلیمان ذکر می‌کند که التلویحات همان شرح ابن کمونه است که المقومات نامیده شده است. این تحریف آرای ریتر است، زیرا المقومات کتابی مستقل و خلاصه التلویحات است و کربن آن را در مجموعه مصنفات منتشر کرده است؛
- ۳-۲. شرح تلویحات ابن کمونه؛
- ۳-۳. المقومات. سه‌رودی در مقدمه آن می‌گوید: این کتاب مختصری است به‌منابۀ پیوستی بر کتاب التلویحات که در آن موارد ضروری که قدما در آثار خود آورده‌اند، و ذکر آنها در التلویحات ممکن نبوده را افزودم. این کتاب را کربن در سال ۱۹۵۴ منتشر کرده است.

### ۴. اللمحات فی الحقائق

- شرح اللمحات نظام‌الدین محمود بن فضل الله تودی حمدانی.<sup>۱۴</sup>

### ۵. الواح عمادی

- این اثر به سلطان عماد پیشکش شده است.<sup>۱۵</sup>

- ۵-۱. شرح ودود بن محمود تبریزی با عنوان الاشراق. نام دیگر این شرح مصباح الارواح فی كشف حقائق الالواح است که ریتر آن را ذکر کرده است، اما نسخه‌ای که او در کتابخانه قاهره بدان دست یافته است، عنوانش الاشراق است؛
- ۵-۲. شرحی فارسی بر الواح که مؤلفش ناشناخته است.

### ۶. المشارع و المطارحات

کربن بخش الهیات آن را در مجموعه مصنفات<sup>۱۶</sup> منتشر کرده است. چاپ سنگی کامل آن موجود است و بر کتاب شرحی نوشته نشده است.

### ۷. المناجاة

- شرح ابومظفر اسفراینی



۸. مقامات الصوفية و معانی مصطلحاتهم

طبق نظر بروکلیمان و شهرزوری این کتاب همان کلمة التصوف است.

۹. التعرف للتصوف

۱۰. الاسماء الادرسیه

نسخه خطی از این کتاب با این عنوان در مجموعه مخطوطات فی الحکمة کتابخانه قاهره یافتیم که نام مؤلف بر روی آن نیست و کاملاً به دور از گرایش اشراقی است.

۱۱. الاربعون اسما

شهرزوری، بروکلیمان و آوارت از آن نام برده‌اند، اما کرین در منسوب بودن آن به شهرزوری تردید دارد.

۱۲. آواز پر جبرئیل (فارسی)

کرین آن را در مجله آسیایی<sup>۱۷</sup> (م. ۱۹۵۳) آورده است.

- شرح شهید علی با عنوان شرح اصوات اجنحة جبرائیل.

۱۳. پر تو نامه (فارسی)

شهرزوری، بروکلیمان و ریتر از آن یاد کرده‌اند.

۱۴. ترجمة رسالة الطیر.

شهرزوری، بروکلیمان، ریتر و اسپایز آن را ذکر کرده‌اند.

۱۵. بستان القلوب (فارسی)

شهرزوری، بروکلیمان و ریتر آن را از شهرزوری می‌دانند، اما کرین معتقد است که این کتاب به اشتباه به شهرزوری نسبت داده شده است.

۱۶. صغیر سیمرغ (فارسی)

کرین این رساله را در سال ۱۹۳۹ در مجله هرمس<sup>۱۸</sup> (ج ۳، مجموعه سوم) منتشر کرده است.

۱۷. الغربية الغریبه.

بروکلیمان آن را چنین نقل کرده است. کرین این رساله را در سال ۱۹۵۲ همانند داستان حین یقظان منتشر کرده است.

۱۸. الکلمات الذوقیه و نکات الشوقیه

در آغاز آن نوشته شده است: «کتابی است که شامل گفتارهای ذوقی و نکته‌های شوق‌انگیز که آن را از طریق ارتباط با برخی از اخوان تجرید نوشته‌ام».

- شرح علی بن مجدالدین شهرزوری بسطامی با عنوان شرح لرساله الکلمات الذوقیه. بروکلیمان و ریتر از آن نام برده‌اند.

۱۹. لغت موران (فارسی).

کرین این رساله را در سال ۱۹۳۹ در مجله هرمس به چاپ رسانده است.

۲۰. مؤنس العشاق.

- شرح شهید علی که اسپایز آن را در مجله پژوهش‌های فلسفی (ج ۲، سال ۱۹۳۲ - ۱۹۳۳) منتشر کرده است.

۲۱. بقایا تلخیص اشارات ابن سینا.

ریتر آن را ذکر کرده است.

- شرح اشارات (فارسی). شهرزوری آن را آورده است.

شهرزوری متذکر می‌شود: «برخی از اطلاعات دلالت بر این دارد که شرحی بر اشارات نزد وی بوده و من از آن اطلاعی کسب نکردم و الله اعلم». دوانی در شرح خود بر هیاکل النور برخی از عبارات شرح شهرزوری را بر اشارات ابن سینا برگزیده و ذکر کرده است.

۲۲. کشف الغطاء لخوان الصفا. بروکلیمان، شهرزوری و حاجی خلیفه آن را ذکر کرده‌اند.

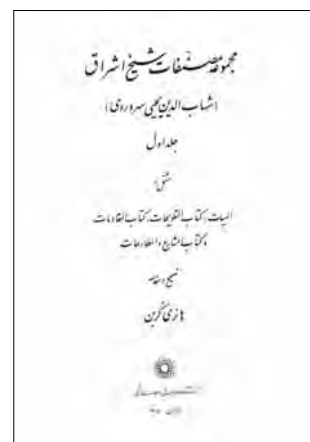
۲۳. الواردات و التقدیسات. کتابی در نجوم و تقدیس آن به شیوه یونانی است به تقلید از کتاب السر المکتوم فی مخاطبات النجوم فخر رازی و کتاب غایه الحکیم مجریطی است. کرین آن را با عنوان تقدیسات الشیخ الشهید ثبت کرده است.

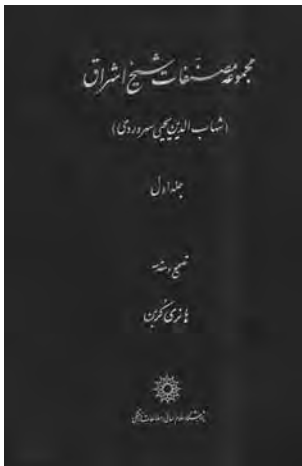
۲۴. تحفة الاحباب حاجی خلیفه آن را ذکر می‌کند. این کتاب خلاصه المستصفی غزالی در فقه است. امکان دارد که

این کتاب همان التنیحاح فی الاصول باشد که شهرزوری آن را آورده است.

برخی از آثار دیگر نیز هستند که فقط شهرزوری آنها را ذکر کرده است، از جمله: الرمز المومی، المبدأ و المعاد (فارسی)،

البارقات الالهیه و النعمات السماویه، لوامع الانوار، کتاب الصبر و کتاب العشق.





رسائل صوفیانه‌ای نیز وجود دارند که شهرزوری معتقد است که شیخ سهروردی آنها را در جوانی تألیف کرده است. این رسائل عبارتند از: رساله غایبه المبتدی، رساله روری باحماً (آن را فارسی برشمرده است)، مکاتبات الی الملوک و المشایخ، کتب فی السیماء (شهرزوری ذکر می‌کند که این رساله منسوب به شیخ است، یعنی او بر صحت انتساب آن به او تأکیدی ندارد)، تسیبحات العقول و النفوس و العناصر.

همچنین رساله‌های دیگری نیز وجود دارد که ظن غالب آن است که آنها از بخش‌های الواردات و التقدیسات می‌باشند. این رساله‌ها عبارتند از: رساله التسیبحات و دعوات الکواکب، ادعیة متفرقه: الدعوة الشمسیه، الواردات الالهیه، مخیرات الکواکب و تسیبحاتها، السراج الوهاج (شهرزوری بیان می‌کند که این رساله احتمالاً به شیخ تعلق ندارد). علاوه بر آنچه ذکر شد، کتابها و رسائل دیگری وجود دارد که شهرزوری و دیگران آنها را ذکر کرده‌اند، اما در انتساب آنها به شیخ اشراق تردید وجود دارد. این کتابها و رسائل عبارتند از:

۱. الرقیم القدسی به شهرزوری و کلود کائن آن را آورده‌اند؛
۲. رساله المعراج. شهرزوری و حاجی خلیفه آن را ذکر کرده‌اند. کربن در انتساب آن به سهروردی تردید دارد؛
۳. رساله تفسیر آیات من کتاب الله و خبر عن رسول الله: شهرزوری آن را آورده و کائن ذکر می‌کند که سهروردی تفسیر قرآنی داشته و چه بسا این کتاب همان تفسیر موردنظر وی باشد؛
۴. اعتقاد الحکماء: شهرزوری و ماسینیون آن را آورده‌اند. کربن این کتاب را در سال ۱۹۵۲ منتشر کرده است؛
۵. رساله یزدان شناخت [در مسائل الهی] که اثر عین القضات همدانی است و به اشتباه به سهروردی نسبت داده شده است؛

۶. سنکات الصالحین: شهرزوری نامی از آن به میان نیاورده، بلکه ماسینیون آن را ذکر کرده است. ریتر سه عنوان را به آنچه ما آوردیم، اضافه می‌کند:

۱. رساله مختصری که این مقالات را دربرمی‌گیرد: الجسم، الحركات، الربوبية، المعاد، الوجد و الالهام.
۲. رساله مختصری در فلسفه که منطق، طبیعیات و مابعد الطبیعه را بررسی می‌کند.
۳. شعر «بدأ تحن الیکم الارواح». شهرزوری، یاقوت و ابن ابی اصبیحه آن را ذکر کرده‌اند.

### پی‌نوشت‌ها

\* پس از چاپ این مقاله آثار متعددی از سهروردی و شارحان و محشیان نوشته‌هایش منتشر شده است. از این رو اطلاعات این مقاله می‌بایست مورد بازنگری جدی قرار گیرد. «مترجم»

۱. کشته‌شدن سهروردی به آن صورت دردناک که راویان نقل کرده‌اند، موجب شد که پس از آن شهید نامیده شود و کتابهای او با اقبال مردم رو به رو شود و آموزه‌هایش منتشر شده و گسترش یابد.
۲. شهرزوری در پایان بررسی آمار تألیفات سهروردی متذکر می‌شود که «اینها همه آن چیزی از تألیفات و نام آثار اوست که به دست ما رسیده است و امکان دارد که چیزهای دیگری نیز باشد که به دست ما نرسیده است.

1. Wilhelm Ahlwardt.
2. Carl Brockelmann.
3. Hellmut Ritter.
4. Der Islam.
5. Claude Cahen.
6. Louis Massignon.
7. Recueil de Textes inedits.
8. Henry Corbin.
9. Khattak Spies.

۱۲. کتابهایی را که فهراس جدید متفق القول وارد کرده‌اند، بدون اشاره به نام آنها ضبط کردیم، اما آثاری را که فقط یک یا دو فهرست‌نگار ذکر کرده‌اند، نام فردی که آن را ذکر کرده، مقابل نام کتاب یا رسائل آورده‌ایم.
۱۳. این کتاب را در سال ۱۹۵۷ با مقدمه و تحقیقاتی در «المطبعة التجاریه» منتشر کردیم.
۱۴. این کتاب را در دست انتشار داریم.
۱۵. این نسخه را در اختیار داریم و اگر خدا بخواهد آن را برای انتشار آماده خواهیم کرد.

10. Opera Metaphysica et Mystica.
11. Journal Asiatique.
12. Revue Hermes.

۱۹. احتمالاً منظور نگارنده، رساله روزی با جماعت صوفیان است. م

